

مقدمه

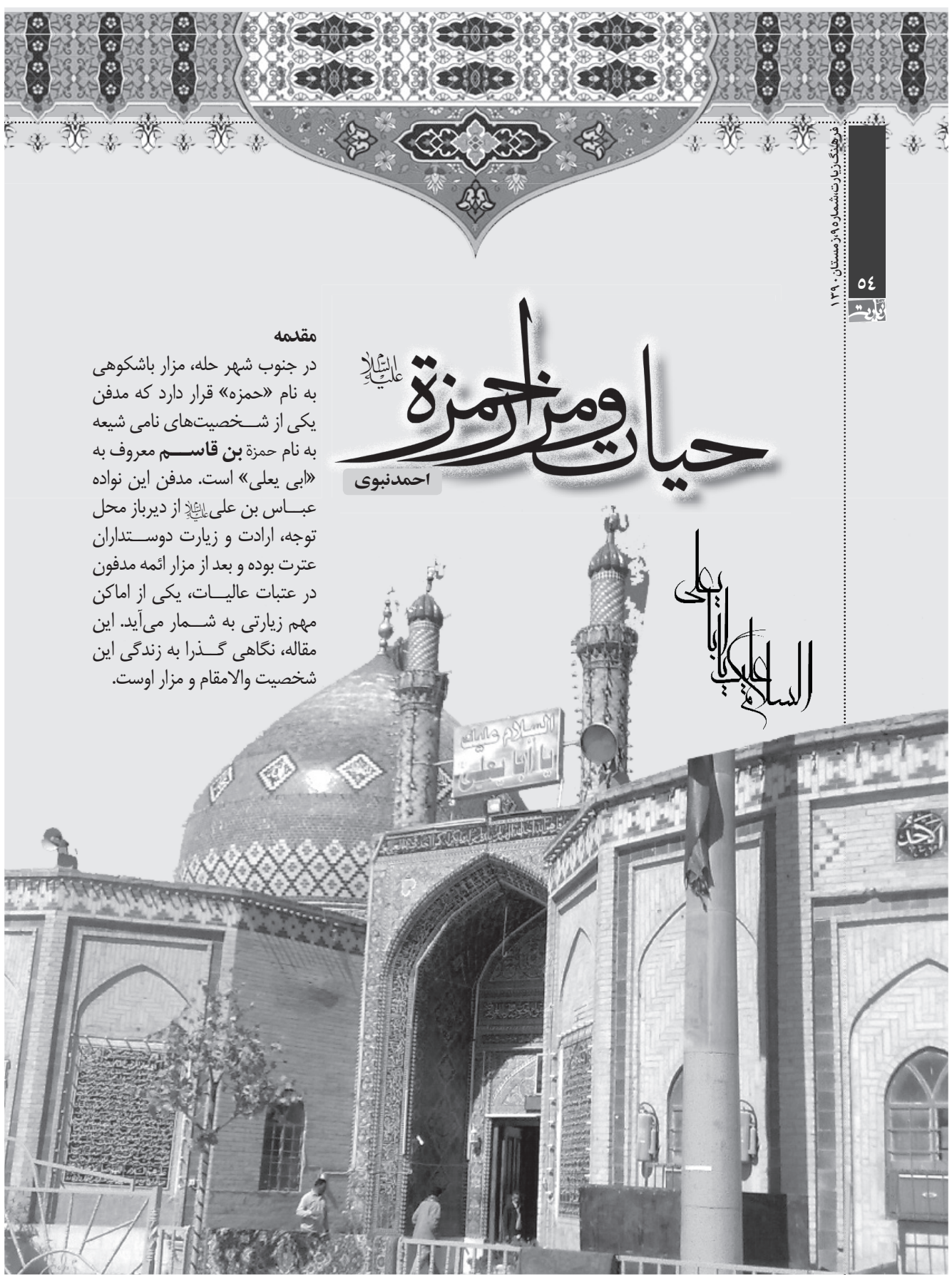
در جنوب شهر حله، مزار باشکوهی به نام «حمزه» قرار دارد که مدفن یکی از شخصیت‌های نامی شیعه به نام حمزه بن قاسم معروف به «ابی یعلی» است. مدفن این نواده عباس بن علی (علیه السلام) از دیرباز محل توجه، ارادت و زیارت دوستداران عترت بوده و بعد از مزار ائمه مدفون در عتبات عالیات، یکی از اماکن مهم زیارتی به شمار می‌آید. این مقاله، نگاهی گذرا به زندگی این شخصیت والا مقام و مزار اوست.

علیه السلام

حیات و حمزه

احمدنوی

السلام علیک یا علی



نام و نسب

حمزه بن قاسم، مکنی به «ابویعلی» از نوادگان قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل (ع) است که نسبش با پنج واسطه به آن حضرت می‌رسد. حمزه به دلیل انتساب به امیر مؤمنان (ع) به «علوی» و به دلیل انتسابش به حضرت عباس (ع) به «عباسی» شهرت دارد.^۱

نسبت جناب حمزه را چنین بیان کرده‌اند: حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن ابی‌الفضل العباس^۲ (ع).

حضرت عباس بن علی (ع) چند فرزند داشت؛ ولیکن نسل ایشان از عبیدالله گسترش یافت. عبیدالله فرزند لبابه است و همنام نیای مادریش عبیدالله عباس نام گرفته است. گویا در حادثه کربلا، در سنین کودکی حضور داشته است. او را دانشمند و فرهیخته عصر خویش دانسته‌اند. دو فرزند به نام‌های عبدالله و حسن داشت که نسلش از حسن ادامه یافت. حسن بن عبیدالله ۶۷ سال زندگی کرد. او را سرشاخه اصلی نوادگان قمر بنی هاشم می‌شمارند.^۳ عباس، عبیدالله، فضل، ابراهیم و حمزه از فرزندان اویند.

عباس بن حسن، به شجاعت و دلیری مشهور بود و در وصف او گفته‌اند کسی از بنی هاشم در جرأت و صراحت لهجه مانند او نبود. او در ایام خلافت هارون الرشید به بغداد آمد. عباس بن حسن به شیوایی شعر می‌سرود؛ بدان حد که او را برترین شاعر از فرزندان امام علی (ع) می‌شماردند. از عباس ۱۰ فرزند بر جای ماند.

عبیدالله بن حسن مردی پرهیت و باشکوه بوده است. امارت حرمین شریفین مکه و مدینه و امر قضاوت در این دو شهر را بر عهده داشت. مأمون به سال ۲۰۴ هجری او را به سرپرستی امور حجاج بیت الله الحرام منصوب کرد. عبیدالله ۱۱ فرزند داشت؛ از جمله آنها قاسم بن عبیدالله است که از نزدیکان امام حسن عسکری (ع) نیز بود. فضل بن حسن، اندیشمندی سخنور و شجاع بود. ابراهیم بن حسن در شمار پارسایان و ادیبان زمان خود بود و او را «جردقه» می‌نامیدند.^۴

حمزه بن حسن در عصر مأمون عباسی می‌زیست و به شباهت با امیر مؤمنان (ع) شهره بود. حمزه به دلیل ازدواج با زینب، یکی از نوادگان عبدالله جعفر، زینبی نیز خوانده می‌شد. این

لقب ممکن است ناظر به زینب، دخت علی علیه السلام باشد که همسر عبدالله بن جعفر بود. در میان نوادگان حسن بن عیبدالله می‌توان به شخصیت‌های ذیل اشاره کرد:

۱. قاسم بن حمزه؛ یکی از دانشمندان و فقیهان عصر خود است. او مردی بسیار زیاروی و ثروتمند بود که در یمن سکونت داشت. قاسم بن حمزه بسیار اهل بخشش به مردم بود.
۲. ابو محمد علی بن حمزه؛ از محدثانی است که روایات بسیاری نقل کرده است.^۵
۳. فضل بن محمد؛ مردی سخندان و شاعر بود و بازماندگانش در قم و طبرستان پراکنده هستند. فضل اشعار بسیاری در مدح دلاوری جدّ خود حضرت عباس علیه السلام در کربلا سروده است. همو مصیبت قمر بنی‌هاشم را به نظم درآورد. این بیت یادگار اوست:

احق الناس ان یکبی علیه فتی ابکی الحسین بکربلا^۶

یعنی: سزاوارترین کسی که باید برای او گریست، جوانی است که امام حسین علیه السلام را در کربلا گریاند و آن قمر بنی‌هاشم است.

۳. محمد بن علی؛ از نوادگان حمزه بن حسن است. او شاعری بلندآوازه بود که در بصره می‌زیست و احادیثی را هم از امامان روایت کرده است. محمد شخصیتی محترم و مورد اطمینان بود؛ به گونه‌ای که مادر امام زمان (عج) مدتی در خانه او مهمان بود. وی در سال ۲۸۶ هجری درگذشت و مقبره ایشان در شهر حله امروز دارای گنبد و بارگاه باشکوهی است.^۷

حمزه بن قاسم در چنین خاندانی دیده به جهان گشود و رشد کرد؛ خاندانی که به ادب، شعر و حدیث مشهور بودند و از سرآمدان عصر به شمار می‌آمدند.

شخصیت علمی ابی‌یعلی

ابی‌یعلی حمزه بن قاسم، در اوایل قرن چهارم هجری می‌زیست؛ از آن رو که از سعد بن عبدالله (متوفای ۳۰۱ هـ) روایت کرده و تلّکبری (متوفای ۳۸۵ هـ) نیز از او روایت کرده است.^۸ ابی‌یعلی از راویان مورد اعتماد و بلندمرتبه حدیث و از عالمان بزرگ شیعه به شمار می‌آمد و دانشمندان بسیاری، افتخار شاگردی ایشان را داشتند. دو نکته مهم در زندگی علمی ابی‌یعلی مشهود بود: فراوانی احادیث نقل شده از او و تألیف چندین کتاب. شخصیت او را چنین وصف می‌کنند:

احمد بن علی نجاشی (متوفای ۴۵۰ ق) می‌نویسد:

حمزة بن القاسم بن علی بن حمزة بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام ابو یعلی، ثقة، جلیل القدر من أصحابنا، کثیر الحدیث. له کتاب من روی عن جعفر بن محمد علیه السلام من الرجال و هو کتاب حسن، و کتاب التوحید، و کتاب الزیارات و المناسک، کتاب الردّ علی محمد بن الأسدی. أخبرنا الحسین بن عبیدالله قال حدثنا علی بن محمد القلانسی، عن حمزة بن القاسم بجمیع کتبه؛

حمزة بن قاسم ... ابو یعلی، ثقة جلیل القدری است از اصحاب ما؛ حدیث بسیار روایت می کرده؛ از او کتابی است در ذکر افرادی که از جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده اند. کتاب التوحید، کتاب الزیارات و المناسک کتاب الردّ علی محمد بن (جعفر) الاسدی از اوست. حسین بن عبیدالله این گونه به ما بیان داشت: علی بن محمد القلانسی از حمزة بن قاسم جمیع کتب او را روایت کرد.^{۱۰}

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۹ ق) می نویسد:

حمزة بن القاسم العلوی العباسی؛ حمزة بن القاسم بن محمد بن عبیدالله بن عبیدالله بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام یروی عن سعد بن عبیدالله، روی عنه التلعکبری إجازة؛ حمزة بن القاسم ... از سعد بن عبیدالله روایت می کند؛ تلکبری نیز از او روایت می کند.^{۱۱}

علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ق) می نویسد:

حمزة بن القاسم بن علی بن حمزة بن الحسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام أبو یعلی ثقة جلیل القدر من أصحابنا کثیر الحدیث له کتاب من روی عن جعفر بن محمد علیه السلام من الرجال^{۱۲}؛ حمزة بن القاسم ... ثقة جلیل القدری است از اصحاب ما و احادیث بسیاری نقل کرده است. از او کتابی است در ذکر مردانی که از جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده اند.

ابن داود حلی (متولد ۶۴۷ ق)^{۱۳}، سید مصطفی تفرشی (متوفای ۱۰۴۴ ق) در «نقد الرجال»^{۱۴}، حائری مازندرانی (متوفای ۱۲۱۶ ق) در «منتهی المقال»^{۱۵}، شیخ عباس قمی^{۱۶} و سید ابوالقاسم خویی (متوفای ۱۴۱۳ ق) نیز به بزرگی از ابی یعلی یاد کرده اند.^{۱۷}

با درنگ در سلسله اسناد احادیث، جایگاه حدیثی حمزه بن قاسم و مشایخ و شاگردان او مشخص می‌شود. حمزه بن قاسم از سعد بن عبدالله، محمد بن اسماعیل البرمکی، حسن بن متیل، جعفر بن محمد بن مالک الفزاری و علی بن جنید الرازی روایت نقل می‌کند. از سویی تلکبری، علی بن محمد القلانسی، حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المؤدب، علی بن احمد بن محمد الدقاق از او روایت نقل می‌کنند.^{۱۸}

میرزا محمدعلی اردوبادی که کتابی درباره شخصیت حمزه بن قاسم به نام «المثل الأعلى» در ۱۳۶۰ قمری نگاشته است،^{۱۹} درباره ابی یعلی چنین می‌نویسد:

ابویعلی از علمای اهل بیت و یگانه‌ای برجسته از خاندان وحی و سروی بلند و افراشته در بوستان بنی‌هاشم است. او از مشایخ روایت بود و علمای بلاد برای بهره‌وری از علوم اهل بیت علیهم‌السلام نزد وی می‌شتافتند.

مدفن حمزه

مزار حمزه بن قاسم در جنوب شهر بزرگ حله، در منطقه «مدحتیه» از توابع «مزیدیه» واقع است. اطراف حرم مسکونی بوده و به نام «حمزه» یا «حمزة الغربی» معروف است. این مزار باشکوه و معروف با گنبد، ضریح، رواق و صحن بزرگ، زائران بسیاری را پذیراست.^{۲۰} پیشتر این گمان وجود داشت که این حرم از آن حمزه بن موسی الکاظم علیه‌السلام است ولیکن توجه به این مزار و اختصاصش به ایشان، با حکایتی ارتباط دارد که برخی از محدثان و اندیشمندان بنام بدان اشاره کرده‌اند؛^{۲۱} از جمله میرزا حسن نوری ماجرا را این گونه نقل می‌کند:

آقا سید مهدی قزوینی طاب ثراه از والد خود نقل می‌کند: خبر داد والد ماجدم که ملازم داشتم به بیرون رفتن به سوی جزیره که در جنوب حله است و بین دجله و فرات می‌باشد، جهت ارشاد و هدایت عشیره‌های بنی‌زبید به سوی مذهب که همه ایشان به مذهب اهل سنت بودند و به برکت هدایت والد قدس سرّه همه برگشتند به سوی مذهب امامیه ایدهم الله و به همان نحو باقی هستند تاکنون و ایشان زیاده از ده‌هزار نفرند.

فرمود در جزیره مزار یست معروف به قبر حمزه بن موسی الکاظم علیه‌السلام و مردم او را زیارت می‌کنند و برای او کرامات بسیار نقل می‌کنند و حول آن امامزاده، قریه‌ای است مشتمل بر صد خانوار تقریباً. پس من می‌رفتم به جزیره و از آن‌جا عبور می‌کردم

و آن امامزاده را زیارت نمی‌نمودم؛ چون نزد من به صحت رسیده بود که حضرت حمزه علیه السلام فرزند بلافضل امام موسی کاظم علیه السلام در شهر ری در جواب حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام مدفون است؛ لذا اهمیتی به این بقعه و صاحب قبر آن نمی‌دادم.

پس یک دفعه حسب عادت بیرون رفتم و در نزد اهل آن قریه مهمان بودم و اهل آن قریه از من خواستند که زیارت کنم مرقد مذکور را و من امتناع کردم و به آنها گفتم: من مزاری را که نمی‌شناسم زیارت نمی‌کنم؛ لذا به جهت اعراض من از زیارت آن مزار، رغبت مردم به آنجا کم شد. آن‌گاه از نزد ایشان حرکت نمودم و شب را در قریه مزیدیه در خانه بعضی از سادات آنجا ماندم، و چون سحر شد، برخاستم برای نافلة شب و چون نافلة شب را خواندم، نشستم به انتظار طلوع فجر که ناگاه سیدی بر من وارد شد که او را به صلاح و تقوا می‌شناختم و از سادات آن قریه بود و سلام کرد و نشست و گفت: یا مولانا! دیروز مهمان اهل قریه حمزه شدی و او را زیارت نکردی؟ گفتم: آری؛ فرمود: چرا؟ گفتم: من زیارت نمی‌کنم کسی را که نمی‌شناسم، و اعتقاد من این است که حمزه فرزند حضرت امام کاظم علیه السلام در ری مدفون است.

فرمود: «رُبَّ شَهْرَةٍ لَا أَصْلَ لَهَا»؛ چه بسا چیزهاست که شهرت یافته، ولیکن اصل ندارد. این قبر حمزه فرزند موسی کاظم علیه السلام نیست،



مزار حمزه بن قاسم در جنوب شهر بزرگ حله، در منطقه «مدحتیه» از توابع «مزیدیه» واقع است. اطراف حرم مسکونی بوده و به نام «حمزه» یا «حمزة الغربی» معروف است. این مزار باشکوه و معروف با گنبد، ضریح، رواق و محن بزرگ، زائران بسیاری را پذیراست.

هرچند چنین مشهور است؛ بلکه این قبر ابویعلی حمزه بن قاسم علوی عباسی از فرزندان حضرت ابی الفضل العباس علیه السلام است، و یکی از علما و اهل حدیث و علمای علم رجال او را در کتب خود یاد و ثناء کرده و وی را به علم و ورع ستوده‌اند. پس در خاطر خود گفتم این از عوام سادات است و از اهل علم و اطلاع بر علم رجال و حدیث نیست و شاید این کلام را از بعضی علما آموخته است؛ پس برخاستم به جهت مراقبت و اطلاع از طلوع فجر و آن سید هم برخاست و رفت و من غفلت کردم که از او پرسسم این مطلب را از چه کسی فرا گرفته، و چون صبح شد و نماز صبح را خواندم و نشستم برای تعقیب نماز صبح تا آن که آفتاب طلوع کرد و چون همراه من چند جلد از کتب رجال بود، آنها را مطالعه کردم؛ دیدم بیان سید درست است؛ این بزرگوار ابویعلی حمزه بن قاسم علویست.

پس اهل قریه به دیدن من آمدند. سیدی شبیه سید یاد شده در میان آنها بود؛ پس از او تشکر کردم که سحر پیش من آمدی و مرا از قبر جناب حمزه بن قاسم علوی خبر دادی. بگو ببینم این مطلب را از کجا گفتی و از چه کسی شنیدی. پس سید گفت: به خدا قسم من پیش از این ساعت نزد شما نیامدم و من شب گذشته در بیرون قریه بودم (در جایی که نام آن را برد) و شنیدم شما آمده‌اید، پس امروز مشرف شدم به زیارت شما. پس به اهل قریه گفتم لازم شد که برگردم و جناب حمزه را زیارت کنم و من شکی ندارم در این که آن شخص که سحر تشریف آورد، حضرت صاحب الامر (عج) بوده است. پس از این داستان که آن حضرت نفی نکردند، بودن حضرت حمزه بن موسی علیه السلام را در ری، و اقوال دیگر علما که بیان گردید، اثبات می‌شود که این بزرگوار فرزند بلافضل امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد و باید از او تجلیل و تکریم به عمل آورده و نیز او را قریه الی الله هم زیارت نمود.



تاریخچه حرم

گویا نخستین بنای حرم در سال ۱۹۳۲ میلادی توسط شیخ عباس جریان با ساخت بارگاه باشکوهی انجام شد و چهار سال بعد به صورت جزئی تجدید بنا گردید. در سال ۱۹۷۳ به دستور یکی از مسئولان عالی عراق، بارگاه و آستان عظیمی بنا شد.

حرم ایشان دارای دو صحن است: مساحت صحن داخلی ۵۲۰۰ متر مربع و مساحت صحن دوم ۸۰۰۰ متر مربع است. دو مناره موجود با ارتفاع ۲۰ متر مربع در سال ۱۸۶۰ و گنبد کنونی حرم با ارتفاع ۲۱ متر در سال ۱۹۹۳ میلادی ساخته شد. حرم ابی یعلی در سال ۲۰۰۵ به «الأمانة العامة للمزارات الشيعية» واگذار شد که این نهاد جزو تشکیلات دیوان وقف شیعی است و این دیوان نیز زیر نظر نخست‌وزیر اداره می‌شود. از آن تاریخ فعالیت‌های گسترده‌ای برای بازسازی و نوسازی حرم شکل گرفت. پوشش مرمر داخل حرم و کاشی کاری صحن داخلی از اقدامات اخیر است. همچنین در این دوره ضریح جدیدی نیز بر روی مرقد ایشان قرار گرفت.^{۲۲}

نکته آخر

مزار حمزه بن قاسم به «حمزة الغربي» معروف است؛ بدین دلیل که از «حمزة الشرقي» تمیز داده شود. در حمزه شرقی مزار «سید احمد غریفی» قرار دارد که فرزند علامه سید هاشم غریفی بحرانی است. مزار وی دارای بنایی باشکوه است و محل آمد و شد فراوان دوستداران خاندان عترت می‌باشد. در منطقه «مدحیه» بسیاری از بقاع متبرکه وجود دارد



که از جمله آنها: قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام، سیف الدین بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام، حسن بن عبيدالله بن العباس علیه السلام، الظاهر و المظهر از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، عون بن امام علی علیه السلام که مادرش اسماء بنت عمیس بود و همچنین بسیاری از اماکن مشرفه را می توان نام برد.

در اسفندماه ۱۳۹۰ به اتفاق جمعی از اعضای تحریریه فصلنامه زیارت توفیق تشرف به این حرم روی داد. به هنگام زیارت، جناب آقای حاج منعم سلمان حسین الشمری، متولی آستان این امامزاده به گرمی از ما پذیرایی کرد و از برنامه های جاری و آتی عمرانی و فرهنگی آستان نکاتی را بیان داشت. یکی از برنامه های خوب ایشان انتشار مجموعه آثاری درباره حمزه بن قاسم برای سطوح مختلف بود. وی همچنین از تلاش خود برای تشکیل یک کتابخانه نیز گفت که امیدوارم موفق به ساخت و راه اندازی آن شود.

پی نوشت ها:

۱. رجال الشيخ، الأبواب، ص ۴۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۹۰.
۲. رجال النجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۴۰.
۳. ابوالفضل هادی منش، سلسله جنبان رادمردی (پژوهشی در اعقاب و بازماندگان حضرت عباس بن علی علیه السلام)، ص ۳۴.
۴. امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۸.
۵. رجال النجاشی، ص ۲۷۳.
۶. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۸۹.
۷. رجال النجاشی، ص ۳۴۷.
۸. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۴۷۸.
۹. «إنَّ علی بن محمد القلانسی هذا لم تتعرض له كتب الرجال؛ نعم ذكروا أنَّ علی بن محمد القلانسی من أصحاب الجواد علیه السلام، لكنه غير هذا جزما، فإن هذا يروى عنه النجاشی بواسطة شیخه الحسين بن عبيدالله فيكون علی بن محمد في طبقة التلعكبري، طبعا و عليه فالظاهر أنَّ من ترجمة النجاشی متحد مع من ذكرها الشيخ في رجاله. (معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۹۰).
۱۰. رجال النجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۴۹.
۱۱. رجال الشيخ، الأبواب، ص ۴۲۴.
۱۲. رجال العلامة الحلی، ص ۵۳.

۱۳. رجال ابن داود، ص ۱۳۴.
۱۴. نقد الرجال، ج ۲، ص ۱۶۸.
۱۵. ابوعلی حائری، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۳، ص ۱۳۹.
۱۶. محدث قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۵۷ - ۳۵۹.
۱۷. معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۹۰.
۱۸. موسوعة طبقات الفقهاء، با اشراف آية الله سبحانه، ج ۴، ص ۱۸۶.
۱۹. الذریعه، ج ۱۹، ص ۷۸.
۲۰. الذریعه، ج ۱، ص ۹۴؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۵۷ - ۳۵۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۹۰.
۲۱. محدث نوری، جنبۃ المأوی، حکایت ۴۵؛ آقابزرگ تهرانی، الکرام البررة، ج ۱، ص ۱۴۵.
۲۲. بر روی قبر، قطعه مرمر کوچکی قرار داشت که تولیت آستان حرم دربارہ آن چنین توضیح داد: نقل می کنند ۳۰۰ سال پیش در منطقه «ریفیه» خانمی نذر کرده بود که اگر خداوند تمام حیوانات و چهارپایانی که مالک آنها بود را شفا دهد، تمام شیرهای حاصل از این حیوانات را جمع خواهد کرد و روغنی از آنها خواهد ساخت و در اختیار زائرین و حاجتمندان و فقرا قرار می دهد. با اذن الهی و به برکت حمزه غربی، تمام حیوانات اهلی آن زن خوب می شوند و روغن زیادی از شیرهای این حیوانات به دست می آید؛ اما آن زن در وفا کردن به نذر خود کاهلی می کند و در نتیجه، روغن ها تبدیل به سنگ مرمر می شود که الآن این سنگ در کنار قبر جناب حمزه موجود است.